

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

درس چهل و پنجم - موزه پیروان مکتب رمانتیسم

این دو خبرنگار در پایان اقامتشان در ینا از موزه بسیار جالبی دیدن می کنند. آنها در موزه رمانتیسم با تعدادی از اندیشمندان مشهور آلمانی در قرن 18 آشنا می شوند.

موزه رمانتیسم در ینا دوران رمانتیسم و پیروان این مکتب را به نمایش می گذارد. بازدید کنندگان از این موزه می توانند در باره طرز تفکری که آن دوران بوده و تلاش پیروان این تفکر برای انقلاب فرهنگی و ادبی آشنا شوند. خبر نگاران رادیو "د" گوشه ها را برداشته، به بازدید از سالنهای مختلف موزه می پردازند و در سالن مربوط به فیشته (Fichte)، نوالیس (Novalis) و کارولین اشگل (Carolin Schlegel) قدم می زنند.

وقتی این همه اتفاق هم زمان روی می دهد، آقای پروفیسور به این فکر می افتد حروف ربط "als" و "wenn" (به معنی هنگامی که) را آموزش بدهد. هر دو آنها برای اتفاقاتی که همزمان رخ می دهند به کار می روند.

Manuskript der Folge 45

مجری:

شنوندگان گرامی، درود بر شما. شما را به شنیدن چهل و پنجمین بخش از سری برنامه آموزش زبان آلمانی رادیو D دعوت می کنم. فیلیپ و پاولا در شهر ینا هستند و از موزه های به نام ROMANTIKERHAUS دیدن می کنند، که یادآور دوره آغازین رمانتیک در شهر ینا است. اندکی پس از انقلاب سیاسی و اجتماعی فرانسه در سال ۱۷۸۹ ما شاهد انقلابی در شعر و اندیشه در شهر ینا هستیم که توسط شاعران و متفکران این شهر بر پا شده بود.

بازدید از موزه ROMANTIKERHAUS در شهر ینا به آدمی این امکان را می دهد که تا حدودی با حال و هوای این دوره کوتاه اما عمیق و پر حادثه آشنا شود.

Szene 1: Im Romantikerhaus

Museumsführerin

Guten Tag meine Damen und Herren.
Willkommen in Jena, willkommen im Romantikerhaus.
Sie werden heute viel Interessantes erfahren. Wenn Sie mir bitte folgen in den nächsten Raum.

Paula

Guck mal, Philipp, eine Hörbox:
Brief von Fichte an den Rektor der Universität, 1795.

Briefleser

Eure Magnifizenz muss ich nun noch einmal um Schutz bitten. In der Nacht von Samstag auf Sonntag ist es passiert ... Es ist also schon wieder passiert.

Ich habe Angst, dass das wieder passiert.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

مجری:

سال ۱۷۹۵ همان سالی است که فیلسوف صاحب‌نام آلمانی، یوهان گوتلیب فیشته برای پذیرش استادی دانشگاه به پنا دعوت شده بود. فیشته در نامه‌ای که برای رییس دانشگاه می‌نویسد، از وحشت خود نسبت به وقوع چیزی سخن می‌گوید.

Briefleser

Ich habe Angst, dass das wieder passiert.

مجری:

این که در آن هنگام چه چیزی رخ داده است و فیشته از چه چیزی وحشت داشته است را شما اینک درخواهید یافت.

Paula

Hallo, liebe Hörerinnen und Hörer.

Philipp

Willkommen ...

Paula

... bei Radio D.

Philipp

Radio D ...

Paula

... das Hörspiel.

Szene 2: Fichte in seinem Zimmer

Fichte

Ja! Ja, so mache ich es. Ich sage den Studenten:
Denken Sie! emphatisch Denken Sie nach!

Nein, nein, nicht schon wieder die Studenten!

Aufhören! Aufhören! Sofort aufhören!

Als ich vor einem Jahr nach Jena kam, war ich berühmt
und eigentlich beliebt. Wenn ich an diese Zeit denke, bin
ich glücklich. Aber jetzt? Ich muss dem Rektor einen
Brief schreiben. Ich brauche Schutz.

Eure Magnifizienz muss ich nun noch einmal um Schutz
bitten. In der Nacht von Samstag auf Sonntag ist es
wieder passiert ...

مجری:

صدایی یکباره فیشته را از ادامه کار بر روی موضوع درسش باز می‌دارد:
دانشجویان به گونه‌ای تهدید آمیز در خانه او را تکان تکان می‌دهند، گویی
می‌خواهند در خانه‌اش را از جا بکنند.

Fichte

Nein, nicht schon wieder die Studenten!

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

مجری:

فیشته به گونه‌ای نوستالژیک به گذشته می‌نگرد: یک سال پیش که او به بنا آمده بود، هم از شهرت برخوردار بود و هم از محبوبیت.

Fichte

Als ich vor einem Jahr nach Jena kam, war ich berühmt und eigentlich beliebt.

مجری:

شهرت فیشته به خاطر دفاعش از حقوق بشر بود و به خاطر کتابهایی که نوشته بود. دانشگاه بنا نیز در آن هنگام به واسطه در اختیار داشتن پروفیسورهای عالی شهرت داشت و حال فیشته با لذت تام به خاطرات آن دوره می‌اندیشد.

Fichte

Wenn ich an diese Zeit denke, bin ich glücklich. Aber jetzt?

مجری:

اما بسیاری از دانشجویان بنا مشروب خوردن و جشن گرفتن را بر تحصیل جدی ترجیح می‌دادند. از این رو، فیشته به گونه‌ای شدید از دانشجویان انتقاد می‌کرد. و دانشجویان نیز متقابلاً ناخشنودی خود را از برخورد انتقادی فیشته آشکارا نشان می‌دادند. تا به آن حد که فیشته ناگزیر از رییس دانشگاه بنا درخواست SCHUTZ یعنی حفاظت کرد.

Fichte

Ich brauche Schutz.

مجری:

اما شور انقلابی فیشته تحسین رمانتیک‌ها را برانگیخت. آنها نیز بر آن بودند جهان را با فعالیت‌های معنوی خود تغییر دهند، و حربه آنها برای تغییر جهان همان شعر بود.

یک اتاق از طبقه نخست موزه ROMANTIKERHAUS به نوالیس، شاعر رمانتیک اختصاص داده شده است. فیلیپ و پاولا آنجا به دهلیزی یا راهرویی می‌روند که بازآفرینی شده بود و پشت SCHLEIER یعنی پرده رازی را کشف می‌کنند.

به این صحنه گوش کنید و حدس بزنید که نقل قولی که فیلیپ می‌خواند چه ربطی می‌تواند به این چادر و این راهرو داشته باشد.

Szene 3: Im Romantikerhaus

Museumsführerin

Wir sind hier im Raum von Novalis, dem Dichter. Hören Sie mal, was er wollte:
"Wir müssen die Welt romantisieren, das Leben poetisch machen ..."

Philipp

"Nach innen geht der geheimnisvolle Weg ..."

Paula

Der ist hier, Philipp; komm, da gehen wir rein.

Philipp

Puh, ist das dunkel hier.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Paula

Philipp, schau mal, ein Schleier!
Da ist was dahinter!

Philipp

Mal sehen ...

Oh! Das bin ja ich!!

Paula

Tja Philipp, so ist das.
Nach **innen** geht der geheimnisvolle Weg ...

مجری:

و نقل قولی که پاولا می‌خواند توصیف یک راه مرموز است، راهی NACH INNEN یعنی راهی به سوی درون.

Paula

"Nach **innen** geht der geheimnisvolle Weg ..."

مجری:

آنجا پاولا پرده‌ای را کشف می‌کند و به درستی حدس می‌زند که این پرده چیزی را پشت خود پنهان کرده است.

Paula

Philipp, schau mal, ein Schleier!
Da ist was dahinter!

مجری:

فیلیپ مایل است بداند که چه چیزی پشت این پرده پنهان شده است. او پرده را بالا می‌زند و تصویر خود را در آینه‌ای می‌بیند که پشت پرده نصب شده است.

Philipp

Mal sehen ...
Oh! Das bin ja ich!!

مجری:

از نظر نویسندگان، پرده سمبل راز جهان است و آدمی برای کشف این راز باید به درون خود بنگرد و پاسخ را در درون خود بیابد... زندگی بر اساس نظر پیروان رمانتیسم می‌بایست خود رمانتیک باشد و این به این معناست که زندگی می‌بایست "همچون یک رمان" هم پرماجرا باشد و هم پرتخیل.

Museumsführerin

"Wir müssen die Welt romantisieren, das Leben poetisch machen ..."

مجری:

فیلیپ و پاولا به اتاق دیگری می‌روند، به یک SALON، به سالنی بازآفرینی شده. سالن‌ها اتاق‌هایی بودند خصوصی که افراد برای تبادل نظر در آن گرد هم می‌آمدند. گوش کنید که پاولا و فیلیپ درباره این سالن‌ها چه می‌گویند. و توجه کنید که این سالن‌ها چه نقشی در زندگی زنان آن دوره داشته‌اند.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Szene 4: Salon des Romantikerhauses

Philipp

Und hier haben die Frauen Tee getrunken. Die hatten es echt gut, sie mussten nicht arbeiten, konnten Tee trinken und reden, reden ...

Paula

Philipp, sie **durften** nicht arbeiten, gearbeitet haben nur einfache Frauen. Hier im Salon haben sie diskutiert, und zwar Männer **und** Frauen.

Philipp

Und worüber haben sie diskutiert?

Paula

Na, über alles! Das ist doch klar – über die neueste Literatur, über Philosophie, Religion, Natur ...

Philipp

Schon gut, Paula!

Paula

Philipp, das war damals eine echte Chance für die Frauen. Hier fühlten sie sich frei, hier konnten sie am gesellschaftlichen Leben mitwirken.

Als zum Beispiel Caroline Schlegel nach Jena kam, lud sie alle wichtigen Dichter und Denker in ihren Salon ein – Fichte, Goethe, Schiller, Novalis und andere ...
Lies mal die Briefe von Caroline, die sind echt amüsant. Hör mal, was sie über Schiller geschrieben hat:
"Als wir die neueste Ballade von Schiller lasen, fielen wir vor Lachen fast von den Stühlen – was für eine Vorstellung von Frauen hat dieser Mann ...!"

Philipp

Sehr amüsant.

مجری:

حق با پولاست: زنان در چنین سالن‌هایی احساس راحتی و آزادی می‌کردند، و از این امکان واقعی برخوردار بودند که در زندگی اجتماعی نقش ایفا کنند.

Paula

Philipp, das war damals eine echte Chance für die Frauen. Hier fühlten sie sich frei, hier konnten sie am gesellschaftlichen Leben mitwirken.

مجری:

و این چنین بود نقشی که کارولین شلگل ایفا کرد. کارولین شلگل در سال ۱۷۹۶ همراه با شوهر خود، آگوست شلگل، که فردی نویسنده، فیلسوف و از پدیدآورندگان رمانتیسم آلمانی بود، به دنیا آمد.
چندی نگذشت که کارولین شلگل که زنی باهوش و حاضر جواب بود با رمانتیک‌ها آشنا شد و آنها را به سالن خود دعوت کرد.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Paula

Als zum Beispiel Caroline Schlegel nach Jena kam, lud sie alle wichtigen Dichter und Denker in ihren Salon ein – Fichte, Goethe, Schiller, Novalis und andere.

مجری:

و در این سالن، جلسات بحث فراوانی پیرامون ادبیات جدید، فلسفه، مذهب و همچنین پیرامون طبیعت برگزار شد.

Paula

Hier im Salon haben sie diskutiert.

Philipp

Und worüber haben sie diskutiert?

Paula

Na, über alles! Das ist doch klar: über die neueste Literatur, über Philosophie, Religion, Natur ...

مجری:

کارولین شگل گرچه که به شوهرش در انتشار مجله ادبی و در ترجمه آثار شکسپیر کمک کرده است، اما خودش به استثنای نامه‌هایش چیزی ننوشته است.

Paula

Lies mal die Briefe von Caroline, die sind echt amüsant.

مجری:

پاولا بخشی از نامه‌ای را نقل می‌کند: در آن هنگام، یک بار منظومه‌ای از شیلر را قرائت می‌کردند و کارولین چنان به خنده می‌افتد که نزدیک بوده از صندلی‌اش بیفتد.

این منظومه شیلر حکایت‌گر تصویری است که نقش زن را عمدتاً محدود به خانواده می‌کند. و این موضوع برای کارولین هم سرگرم کننده است و هم باعث برآشفته‌گی او می‌شود.

Paula

Als wir die neueste Ballade von Schiller lasen, fielen wir vor Lachen fast von den Stühlen.

Was für eine Vorstellung von Frauen hat dieser Mann!

مجری:

و شما شنوندگان عزیز می‌توانید تصور کنید که یک چنین دوران پرتلاطم اندیشه نمی‌تواند زمان درازی ادامه یابد.

در سال ۱۸۰۱ محفل رمانتیک‌ها متلاشی می‌شود و آن‌ها از ینا می‌روند. اما پروفسور ما می‌آید.

Paula

Und nun kommt – unser Professor.

Philipp

Radio D ...

Paula

... Gespräch über Sprache.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

پروفیسور:

بله، دوران پر تلاطمی بود، در این زمان حوادث بسیاری رخ داد. و از این رو من مایل هستم که در برنامه امروز به امکان بیان همزمانی در زبان آلمانی بپردازم. بنابراین برنامه امروز ما اختصاص دارد به بیان پدیده همزمانی حوادث و موقعیتها در زبان آلمانی، به عنوان نمونه:
فیخته به ینا آمد. در این زمان او کاملاً معروف بود.

Sprecher

Fichte kam nach Jena.

Sprecherin

Er war schon berühmt.

مجری:

اگر ما این دو جمله را با حرف ربط ALS یعنی "زمانی که" به هم وصل کنیم، آنگاه ما پدیده همزمانی را بیان کرده‌ایم.

Sprecherin

Als Fichte nach Jena kam, war er schon berühmt.

پروفیسور:

با حرف تعریف ALS یک جمله پیرو ساخته می‌شود و فعل جمله پیرو در پایان آن می‌آید. باید توجه داشت که حرف ربط ALS تنها برای بیان همزمانی دو اتفاق در گذشته به کار می‌رود که فقط یک بار رخ داده‌اند و تکرار نشده‌اند.

Sprecherin

Als Caroline Schlegel nach Jena kam, lud sie Dichter und Denker in ihren Salon ein.

پروفیسور:

و هرگاه اتفاق همزمان دو چیز در زمان حال صورت گیرد، آنگاه از حرف ربط WENN باید استفاده کرد.

Sprecher

Wenn ich an diese Zeit denke, bin ich glücklich.

مجری:

با سپاس فراوان از شما، آقای پروفیسور.
در برنامه بعد بار دیگر به زمان حال و به برلین بر می‌گردیم.

Paula

Bis zum nächsten Mal, liebe Hörerinnen und Hörer.

Philipp

Und tschüs.

آنچه شنیدید سری دوم آموزش زبان آلمانی رادیو D بود، تهیه شده توسط انستیتو گوته و رادیو دوچه وله

Herrad Meese

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle